



گفته‌های آشفته و نکته‌های ناگفته دربارهٔ محمد پادشاه و دو فرهنگش

محسن ذاکر الحسینی

منشی محمد پادشاه متخلص به شاد یکی از فرهنگ‌نویسان برجستهٔ قرن‌های سیزدهم و چهاردهم هجری است که منشی و میرمنشی دربار مهراجگان و جیانگر^۱ (از ایالات دکن) بوده و، در زمینهٔ فرهنگ‌نویسی، دو اثر گران‌بها - مجموعهٔ مترادفات و فرهنگ آندراج - از خود به یادگار گذاشته که هر یک در نوع خود بدیع و سودمند و نظرگیر است. پژوهش‌های انجام شده دربارهٔ محمد پادشاه و آثارش ناچیز و سخن‌ها بیشتر پریشان و ناهم‌خوان است. در طی یادداشت‌های این مقاله، خطاهایی را که در نوشته‌ها راجع به این فرهنگ‌نویس و آثارش روی داده، گزارش خواهم کرد. برای این کار، چند عنوان اختیار کرده‌ام و، ذیل هر عنوان، ابتدا خطای نوشته‌ها را با معرفی نوشته ذکر کرده و، سپس، دربارهٔ آن توضیحات لازم را آورده و صحیح آن را عرضه داشته‌ام.

۱. نام مؤلف فرهنگ آندراج و مجموعهٔ مترادفات

□ محمد باد صاحب (الطهرانی، ذیل «فرهنگ آندراج»؛ مشار (۱)، ستون ۲۴۱۴ و ۲۹۳۲؛ همو

(۲)، ستون ۴۵۹۷)

1) Vizianagram

○ در آغاز و انجام این هر دو فرهنگ، نام مؤلف بارها به صورت محمد پادشاه، محمد پادشاه^۲ و محمد پادشا ضبط گردیده است. محمد باد مسلماً خطاست و پیداست که فهرست‌نویسان از روی یک‌دیگر نوشته‌اند.

۲. زندگی محمد پادشاه

□ ناشناخته «Muhammad Bādshāh», Hadi؛ شرح حالش در هیچ جای این کتاب دیده نمی‌شود. (نقوی، ذیل «فرهنگ آندراج»، ص ۲۳۷)؛ نیز ← عنوان ۳. منابع دیگر در این باب سکوت کرده‌اند.

○ محمد پادشاه ناشناخته نیست و شرح حال وی در فرهنگ آندراج موجود است. شخصی به نام و. و. کتونده رو پنتولو گرو^۳، رئیس تشریفات دربار و جیانگر، که با محمد پادشاه آشنایی دیرینه داشته، پیش گفتاری بر فرهنگ آندراج نوشته و زندگی‌نامه مؤلف را به دنبال آورده و، به ضمیمه‌نامه‌ای (شماره ۱۴۷، مورخ ۲۰ مه ۱۸۹۱)، برای درج در آن کتاب، نزد محمد پادشاه فرستاده و این هر سه (به زبان انگلیسی) در آغاز نخستین مجلد از این فرهنگ (طبع هند) درج گردیده است.

در چندین نسخه کتاب^۴ از این صفحات انگلیسی نشانی نیست. با توجه به عبارت «for insertion» (برای درج) در نامه کتونده رو و با مقایسه تاریخ چاپ جلد اول (۱۸۸۹) و تاریخ نامه (۱۸۹۱)، به یقین می‌توان گفت که این صفحات، پس از اتمام چاپ جلد اول، در آغاز کتاب گنجانیده شده و احتمالاً، در آن تاریخ، برخی نسخه‌ها از دسترس خارج شده بوده است. این نامه و پیش‌گفتار و زندگی‌نامه، که اطلاعات تازه و ارزشمندی در بردارد، در نسخه‌ای متعلق به کتاب‌خانه متبرکه آستان قدس رضوی موجود است.

۳. تولد محمد پادشاه

□ به طوری که خود او، در تعریف شهر تهران در صفحه ۱۲۴۰ جلد دوم فرهنگ

(۲) پادشاه‌گونه هندی شده پادشاه است. ← فیروزالدین، فیروز اللغات، ذیل «پادشاه».

3) V. V. Kothunda Row Pantulu Garu

(۴) نسخه‌های متعلق به کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، کتاب‌خانه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، کتاب‌خانه سازمان لغت نامه، کتاب‌خانه شخصی شادروان مدرّس رضوی (دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، وقف‌گروه زبان و ادبیات فارسی) و احتمالاً همه نسخه‌های مورد استفاده نویسندگانی که در این موضوع تحقیق کرده‌اند.

آندراج اشاره می‌کند، در محرم ۱۲۱۵ هجری در تهران، محله سنگلج تولد یافت... در آغاز جوانی، جلای وطن کرده به سرزمین زیبا و دل‌گشای هند می‌رود... قدر مسلم آن که اگر تاریخ ولادت او را - که مقارن ۱۲۱۵ هجری است - با تاریخ اتمام فرهنگ آندراج - که در سنه ۱۳۰۶ هجری است - بسنجیم، مؤلف، در ۹۱ سالگی، فرهنگ آندراج را به پایان رسانده است و بعد از آن چه مدت دیگر حیات داشته، تا به حال، سندی به دست نیامده. (ترقی، ص ۳-۵)

○ هرچند در فرهنگ آندراج (ذیل «تهران») آمده است:

تهران... مسقط الرأس فقیر نیز در آن شهر است که در محرم هزار و دویست و پانزده در محله سنگلج متولد شدم تا اکنون که زمان دولت شاهنشاه عصر الناصر لدین الله سلطان ناصرالدین شاه است... ن.

اما شیوه محمد پادشاه در تألیف فرهنگ آندراج نقل عین عبارات است از مآخذ و آنچه ذیل تهران آورده بعینه از فرهنگ انجمن آرای ناصری نقل کرده و، در پایان، مأخذ خود را با نشانه اختصاری «ن» معلوم کرده است. بنابراین، زمان و مکان تولد مذکور به رضاقلی خان هدایت راجع است نه به محمد پادشاه. نتایج حاصل از این اشتباه نیز همه مردود است. مصحح فرهنگ مترادفات و اصطلاحات، پس از چاپ کتاب، به اشتباه خود پی برده است. به هر حال، محمد پادشاه، چنان‌که کتونه رو در زندگی‌نامه او آورده، در سال ۱۲۵۲/۱۸۳۵، در وجیانگر واقع در جنوب شرقی هند، دیده به جهان گشوده و فرهنگ آندراج را در پنجاه و سه سالگی تألیف کرده است.

۴. شهرت پدر محمد پادشاه

□ محمد پادشاه متخلص به شاد ولد غلام محی‌الدین معروف به نسیم (داعی الاسلام [۲]، ص ۴۹؛ همو [۳]، ص ۲۰)

○ بنا به نقل همه منابع و تصریح محمد پادشاه در مقدمه هر دو فرهنگش، پدر وی غلام محی‌الدین^۵ به کتم شهرت داشته؛ «نسیم» قطعاً تصحیفی از آن است.

۵) محمد پادشاه، در مقدمه هر دو فرهنگ خود، نام را به همین صورت املائی آورده است. نیز ← محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، ذیل «محی» و «محی‌الدین».

۵. تألیفات محمد پادشاه

□ یکی از مؤلفات صاحب این کتاب روضة الصفای ناصری است. (مدرّس رضوی، حاشیه نسخه کتابخانه شخصی مدرّس رضوی از چاپ سنگی فرهنگ آندراج، در مجاورت مدخل «هرقل») ○ در فرهنگ آندراج (ذیل «هرقل») آمده است: «در حواشی یکی از مؤلفات خود - که به روضة الصفای ناصری موسوم است - نگاشته‌ام... ن». این عبارت فرهنگ آندراج نیز بعینه از فرهنگ انجمن آرای ناصری نقل و دام محققان شده است. باری، روضة الصفای ناصری از آثار مشهور رضاقلی خان هدایت است و ما از محمد پادشاه، جز همان دو فرهنگ که یاد شد، اثری نمی‌شناسیم.

۶. نام نخستین فرهنگ محمد پادشاه

□ مجموعه مرادفات (نقوی، ص ۱۷۷): مجموعه مترادفات و اصطلاحات (مشار [۲]، ستون ۴۵۹۷): فرهنگ مترادفات (شفیعی کدکنی، ص ۱۶۷): فرهنگ مرادفات (Hadi, ibid): فرهنگ مترادفات و اصطلاحات (ترقی، روی جلد و صفحه عنوان فرهنگ مترادفات و اصطلاحات؛ بنی آدم، ص ۲۶۱؛ تقی زاده طوسی، ص ۶۱۸ و ۶۲۰؛ ستوده، ص ۳۲۲؛ *Bibliographica...*, p. 283) ○ همه اینها عنوان‌های تعریفی است نه نام حقیقی کتاب. این اثر محمد پادشاه مجموعه مترادفات نام دارد و، در طبع هند آن و نیز در فرهنگ آندراج، چندین بار نام کتاب، به تصریح، به فارسی و انگلیسی، آمده و دو ماده تاریخ تألیف، که از نام آن به دست می‌آید، جایی برای تحریف و تصحیف باقی نگذاشته است. مؤلف خود، در مقدمه فارسی کتاب، نوشته است:

این کتاب را به اسم مجموعه مترادفات [مسمی ساخت^۶] که از آن جمال عروس سنه ۱۲۹۱ هجری - از روی جمل صغیر - نقاب خفا از رخ بردارد و شاهد سنه ۱۸۷۵ عیسوی - به حساب جمل کبیر - گلگونه شهود می‌آراید. لمؤلفه:

چو از جمع این نسخه فارغ شدم	فلک گفت هذا لسنی عجاب
به تاریخ تألیف پرداختم	به حکم مهاراج عالی جناب
ز هاتف ندایی ^۷ به گوشم رسید	کز ان خاطر م شاد شد چون شباب
سن هجری و هم سن عیسوی	دو تاریخ آید ز اسم کتاب

۶) احتمالاً از چاپ ساقط شده. به قیاس افزوده شد.

۷) اصل: ندای. و این از ویژگی‌های رسم الخط فارسی است در هند. ← داعی الاسلام (۱)، دیباچه، ص ۵۸.

۷. اِنحافِ مجموعه مترادفات

□ [محمد پادشاه] این اثر را نیز به مهاراجا میرزا آندراج، متخلص به رشید، مصدر کرده است. (نقوی، ذیل «مجموعه مرادفات»، ص ۱۷۷)

همه منابع دیگر در این مورد سکوت اختیار کرده‌اند.

○ محمد پادشاه، در صفحه عنوان و در هر دو مقدمه فارسی و انگلیسی مجموعه مترادفات، تصریح کرده که این اثر را، به فرمان مهاراجه وجیاراما، فراهم آورده و، چنان که در مقدمه انگلیسی فرهنگ آندراج آمده، آن را به همان مهاراجه تقدیم کرده است. وجیاراما^۸، پدر میرزا آندراج، از سال ۱۸۴۵ تا سال ۱۸۷۹، بر وجیانگر فرمانروایی می‌کرده است. محمد پادشاه، در مقدمه فارسی مجموعه مترادفات آورده است:

حسب فرمان واجب الازعان خداوندِ نعمت، سپه‌عظمت، سکندر صولت، دارا حشمت، ارسطو فطنت، فلاطون فطرت، هیز هینس جناب معلی القاب مهاراجه دهیراج مهاراجه مرزا پوسپاتی وجی‌رام گجپتی راج منه سلطان بهادر والی ملک وجی‌نگر کی‌سی‌ایس‌آئی دام اقباله و اجالاه...

۸. تألیف مجموعه مترادفات

□ محمد پادشاه... هنگام گردآوری فرهنگ آندراج به اهمیت مترادفات زبان پارسی پی می‌برد و اقدام به جمع‌آوری این کتاب مفید و ارزنده می‌کند. (ترقی، ص دو)

برای بسیاری از لغات مترادفاتی هم می‌آورد که غالباً در مقام تشبیه یا کنایه است. این مترادفات را مؤلف تنظیم و به صورت تألیف دیگری در آورده و نام مجموعه مترادفات بدان داده است. (دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۳)

○ محمد پادشاه مجموعه مترادفات را از فرهنگ آندراج استخراج نکرده بلکه تقدم تألیف مجموعه مترادفات (۱۲۹۱) بر فرهنگ آندراج (۱۳۰۶) و استفاده او از مجموعه مترادفات در تألیف فرهنگ آندراج خلاف آن را محتمل می‌سازد. مؤلف در فرهنگ آندراج به کرات از مجموعه مترادفات به عنوان مأخذ لغات نام برده (برای مثال ← ذیل «عارف»، «عاشق»، «عرش»، «مسرف») و حتی در یک جا (ذیل «عافل») نوشته است: «از مجموعه مترادفات مؤلفه فرهنگ هذا نوشته شد.»

۹. سال چاپ مجموعه مترادفات (هند)

□ ۱۲۹۱ ق (ترقی، ص دو و پنج و صفحه حقوق فرهنگ مترادفات و اصطلاحات؛ دبیر سیاقی [۳]، ص ۲۵۴). ۱۲۹۱ ق/ ۱۸۷۸ م (دبیر سیاقی [۱] ص ۱۹۳). ۱۸۷۶ م (مشار [۱]، ستون ۲۹۳۲؛ همو [۲] ستون ۴۵۹۷)

○ سال ۱۲۹۱ ق تاریخ تألیف کتاب است نه تاریخ چاپ و نشر آن. سال ۱۸۷۸ نیز تاریخ دومین چاپ آن است و با سال ۱۲۹۱ قمری هم مطابقت ندارد. سال ۱۸۷۶ نیز درست نیست، زیرا مؤلف، در پایان مقدمه انگلیسی کتاب، تاریخ بیست و چهارم آوریل ۱۸۷۷ را آورده است.

باری، مجموعه مترادفات بار اول در سال ۱۸۷۷، بدون فهرست راهنما، و بار دوم در سال ۱۸۷۸، به همراه فهرست راهنما، به چاپ رسیده است. هیچ‌یک از منابع اشاره نکرده‌اند که این کتاب در هند دوبار چاپ شده و گزارش دقیق استوری (p. 53) است که از آن حکایت دارد.

۱۰. محل چاپ مجموعه مترادفات (هند)

□ کلکته (دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۳؛ دبیر سیاقی [۳]، ص ۲۵۴؛ ترقی، همان)
○ این کتاب دوبار در بنارس به طبع رسیده و چاپ آن در کلکته ظاهراً مستندی ندارد.

۱۱. نوع چاپ مجموعه مترادفات (هند)

□ سنگی (مشار [۱]، ستون ۲۹۳۲؛ همو [۲]، ستون ۴۵۹۷)
منابع دیگر در این مورد چیزی نوشته‌اند.
○ این کتاب، در هند چاپ سربی شده است نه سنگی. سربی بودن چاپ را آقای بیژن ترقی گوشزد کرده‌اند و راقم این سطور نسخه آن را، در کتابخانه سازمان لغت نامه، از نزدیک دیده است.

۱۲. شمار صفحات مجموعه مترادفات (هند)

□ ۳۸۱ (نقوی، ص ۱۷۷؛ STOREY, ibid)؛ ۳۸۱ + ۸۵ (دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۳؛ همو [۳]، ص ۲۵۴؛ STOREY, ibid)؛ ۲۸۱ + ۸۵ (مشار [۲]، ستون ۴۵۹۷)؛ ۳۸۸ + ۶۰ (همو [۱]، ستون ۲۹۳۲).

○ رقم اوّل (۳۸۱) به نخستین چاپ و بقیۀ ارقام به دومین چاپ کتاب مربوط است. رقم اوّل و دوم (۳۸۱، ۳۸۱ + ۸۵) بدون محاسبۀ مقدمۀ انگلیسی و اشتباهات صفحه‌شماری، رقم سوم (۲۸۱) ظاهراً غلط مطبعی و رقم چهارم (۳۸۸ + ۶۰) سهو است. عدد صفحات کتاب، در چاپ اوّل، ۳۸۷ و، در چاپ دوم، ۴۷۲ است [به این شرح: ۱ (عنوان) + ۲ (مقدمۀ انگلیسی) + ۱ (مقدمۀ فارسی) + ۳۷۹ (متن) + ۴ (شماره‌های مکرر مربوط به صفحات ۱-۲۶۹، ۱-۲۷۰، ۱-۲۷۱، ۱-۲۷۲) + چند سطر (مؤخره) + ۸۵ (فهرست راهنما)].

۱۳. تهیه فهرست راهنمای مجموعه مترادفات

□ بیژن ترقی فهرستی را که مؤلف کتاب... ترتیب داده و ناقص مانده بود، تکمیل کرده و در پایان کتاب آورده است. (ستوده، ص ۳۲۲)

○ این فهرست در چاپ دوم (۱۸۷۸ م) کامل بوده؛ اما، چون نسخه‌ای که در دسترس مصحح چاپ تهران بوده افتادگی داشته، تصوّر شده مؤلف این فهرست را ناتمام رها کرده است.

۱۴. ماهیت فرهنگ آندراج

□ فرهنگ فارسی (مجتبایی، ذیل «آندراج»؛ الطهرانی، همان؛ *Iranica; STOREY, p. 54* «Ānandrāj»). فرهنگ فارسی به فارسی (دایرة المعارف فارسی، ذیل «آندراج، فرهنگ»؛ دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۲؛ همو [۳]، ص ۲۵۳؛ معین، ذیل «فرهنگ آندراج»؛ رضازاده شفق، ص ۲۶۵)

□ به تصریح مؤلف، وی قصد داشته لغات دو زبان عربی و فارسی را در یک فرهنگ گرد آورد، چنان‌که نوشته است:

در این زمان کتابی که جامع جمیع لغات تازی و فرهنگی که به زبان فارسی مکمل و متمم باشد حکم عنقا دارد و معدوم... خواستم که در این خصوص سعی نمایم و لغتی کامل، که جامع الفاظ تازی و فارسی باشد، به قید تألیف آرم. (محمد پادشاه [۳]، ج ۱، ص ۷)

ثبت هزارها لغت مهجور عربی (مانند ادقاع، اشعینان، برقحة، بی، تعجزف، تعجهن، ثأثأة، ثرعة، ثطاطة، جرعکوک، شوذائق، صیهوج)، که بسیاری از آنها شاید یک بار هم در متون فارسی نیامده باشد، و لغاتی که استعمال آنها فقط در عبارات و ترکیبات عربی

ممکن است (مانند اِذْ، اِذَا، اِرْجَعِي، اِيه، ذَاكَ، يَعِد) و هم‌چنین ذکر معانی و موارد استعمال لغاتی مانند «ت» و «آلا» در عربی و انتخاب شواهد از متون عرب، جایی برای تردید در باب وجه نظر مؤلف باقی نمی‌گذارد. اما بیشتر منابع به این نکته توجه نداشته‌اند و همین بی‌توجهی سبب آن شده که برخی (دایرة المعارف فارسی؛ مجتبیایی؛ دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۲؛ خراسانی، ص ۱۸۷) گمان کنند که مؤلف قصد داشته فقط آن دسته از لغات عربی را گردآوری کند که در فارسی رایج بوده است.

۱۵. سال تألیف فرهنگ آندراج

□ ۱۳۰۶ هـ / ق / ۱۸۸۹ م (نقوی، ص ۲۳۷)؛ ۷-۱۳۰۶ هـ / ۳-۱۸۸۲ م (نوشاهی، ص ۳۰۳)؛ ۱۳۰۵ (خانلری، ذیل «فرهنگ آندراج»؛ ۹-۱۸۸۸ / ۱۳۰۶ (kāmūs, EI²)؛ قرن نوزدهم/سیزدهم (ibid)؛ ۱۸۷۵ / ۱۲۹۱ (Hadi, ibid).

○ هیچ‌یک از تاریخ‌های فوق خالی از سهو نیست. تاریخ اخیر مربوط به مجموعه مترادفات است که با تاریخ تألیف فرهنگ آندراج جابه‌جا شده است. مؤلف خود به سال تألیف و تسوید کتاب تصریح کرده و گفته: «در سنه ۱۳۰۶ هجری که مطابق سنه ۱۸۸۸ عیسوی می‌باشد، این کتاب به اختتام رسانیدم» (محمد پادشاه [۳]، ج ۱، ص ۷). «به ساعت سعید یوم جمعه سنه ۱۳۰۷ هجری از تسوید این کتاب فارغ شدم». (همان، ج ۷، ص ۴۶۹۲)

۱۶. انشای فرهنگ آندراج

□ در تمام فرهنگ‌نویسان عربی و فارسی محمد پادشاه منفرد است که در سه هزار صفحه کتابش یک سطر هم از خود ننوشته. تمام نقل است (داعی الاسلام [۲]، ص ۵۰)؛ مؤلف حتی یک سطر هم از خود ننوشته است (ستوده، ص ۳۸).

○ این حکم قطعی درست نیست. محمد پادشاه گاه توضیح لغت را از خویش آورده (ذیل «انشا»، «منشی») و حتی گاه به نقد نوشته‌های دیگران پرداخته است. (ذیل «همانا»).

۱۷. مآخذ فرهنگ آندراج

□ از فرهنگ رشیدی و آثار آرزو ذکری نشده است. (STOREY, p. 52, f. 4). از بهترین فرهنگ‌های شعری - که جهانگیری و رشیدی و سراج اللغات باشد - هیچ نگرفته. اسمی از جهانگیری در دیباچه برده، اما از آن دو دیگر خبر نداشته (داعی الاسلام [۲]، ص ۵۰). از دو فرهنگ معروف و مهم دیگر - یعنی سروری و رشیدی... - نامی نمی‌برد و مطلبی

نقل نمی‌کند. (مجتبایی، همان)

○ محمد پادشاه نه تنها از همه این فرهنگ‌ها خبر داشته بلکه از آنها سود جسته و، از آن میان، دو فرهنگ جهانگیری و رشیدی از مآخذ اصلی وی در تألیف فرهنگ آندراج بوده است. از جهانگیری، در مقدمه انگلیسی (کتونده رو، ← محمد پادشاه [۲]، ج ۱)، در سخن مؤلف (محمد پادشاه [۳]، ج ۱، ص ۷؛ ج ۷، ص ۴۶۹۲)، در تقریظ محمد داوود (همو، ج ۷، ص ۴۶۹۵) و در متن فرهنگ (برای مثال ← ذیل «قلتبان»، «لگن»، «هما») یاد شده است. از رشیدی، در سخن مؤلف (همو، ج ۷، ص ۴۶۹۲)، در تقریظ محمد داوود (همو، ج ۷، ص ۴۶۹۵)، در مقدمه انگلیسی (← محمد پادشاه [۲]، ج ۱)، در حواشی مولی بخش (همو، ج ۳، ص ۱۵۲) و در متن فرهنگ (برای مثال ← ذیل «قلتبان»، «کشتی شدن»، «کلته»، «کلک»، «کودن»، «همانا») یاد شده است. از خان آرزو و آثار وی البته در مقدمه ذکری نرفته، اما در متن فرهنگ به کرات یاد شده است (برای مثال ← ذیل «لق و دق»، «لواشه»، «موی دماغ»، «مهتاب»، «نچاق»).

۱۸. مقصود از فرهنگ فرنگ (یکی از مآخذ فرهنگ آندراج)

□ فرهنگ استینگاس [با قید احتمال] (داعی الاسلام [۲]، ص ۴۹؛ نقوی، ص ۲۳۷)؛ فرهنگ جانسون [با قید احتمال] (داعی الاسلام [۲]، همان؛ نقوی، همان؛ دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۲؛ همو [۳]، ص ۲۵۴؛ مجتبایی، همان).

منابع دیگر سخنی نگفته‌اند.

○ فرهنگ عربی و فارسی به انگلیسی استینگاس چند سال پس از تألیف فرهنگ آندراج منتشر شده است. اما، در مورد فرهنگ عربی و فارسی به انگلیسی جانسون، راقم این سطور آن را با فرهنگ آندراج تطبیق کرد. بسیاری از واژه‌هایی که در فرهنگ آندراج از فرهنگ فرنگ نقل شده (مانند «آستام»، «آسیانه»، «آفتاب بر زمین نشست»، «افسر خدای»، «انگیدن و انگندن»، «اوشنگن») در فرهنگ جانسون موجود نیست. بنابراین، هیچ‌یک از فرهنگ‌های مذکور – نه استینگاس نه جانسون – مقصود محمد پادشاه نبوده است. فرهنگ فرنگ که نام دیگر آن احدنامه^۹ است، کتابی است در یک مقدمه و چند فصل، به شیوه «آمدنامه»ها، از مولوی ضمیرالدین حسینی بن سید عبدالله بن شاه هدایت الله که از انگلیسی به فارسی ترجمه

۹) در یک‌جا (منزوی، ص ۲۲۴) نام دیگر کتاب به صورت احمد نامه ذکر شده که، بنا به اظهار شفاهی آقای احمد منزوی، خطای چاپی است.

شده است. نسخه خطی این فرهنگ در کتاب‌خانه عمومی خیرپور (سند) موجود است که، در یازدهم اکتبر ۱۸۲۳ / ۱۲۳۸، در ۱۸۰ صفحه، به خط نستعلیق نوشته شده است. (← منزوی، ج ۱۴، ص ۱۳۰)^{۱۰}

۱۹. تاریخ چاپ فرهنگ آندراج (هند)

□ ۱۳۰۷ هـ ق (اکثر قریب به اتفاق منابع)

○ چاپ مجلدات فرهنگ آندراج در ۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۶ م به پایان رسیده و در چند موضع (← محمد پادشاه [۳]، ج ۷، ص ۴۶۹۸ و ۴۷۰۱؛ همو [۲]، پایان ج ۲ و ج ۳، خاتمه الطبع از جانب کاربردان مطبع) به این تاریخ تصریح شده است. ۱۳۰۷ هـ ق، که همه منابع از تقریبات پایان کتاب استنباط کرده‌اند، تاریخ خاتمه تسوید کتاب و طبع جلد اول است.

۲۰. شمار مجلدات فرهنگ آندراج (هند)

□ ۲ جلد (تقی‌زاده طوسی، ص ۶۱۹)؛ چهار جلد (الطهرانی، همان؛ مشار [۱]، ستون ۲۴۱۵)
○ بی‌هیچ تردید، تنها چاپ هند در سه مجلد صورت گرفته و، در فهرست‌های مذکور، عدد مجموع صفحات سه جلد عدد صفحات جلد چهارم تصور شده است. ← عنوان ۲۱

۲۱. شمار صفحات فرهنگ آندراج (هند)

□ جلد اول: ۱۰۸۱ (STOREY, p. 52)؛ جلد سوم: ۸۵۴ (ibid)؛ جلد سوم: ۸۵۰ (نوشاهی، ص ۳۰۳)؛ مجموع مجلدات: ۳۱۰۷ (نقوی، ص ۲۳۷)؛ مجموع مجلدات: ۳۰۹۳ (دبیر سیاقی [۱]، ص ۱۹۳؛ همو [۳]، ص ۲۵۴)؛ مجموع مجلدات: ۳۰۱۱ (داعی الاسلام [۲]، ص ۵۰)؛ مجموع مجلدات: ۳۰۱۱ + ۱۱۷۰ + ۸۵۶ + ۱۰۸۱. (مشار [۱]، ستون ۲۴۱۵)
○ در هر یک از ارقام مذکور، برخی صفحات به شمارش نیامده و درباره مورد اخیر ← عنوان ۲۰. شرح دقیق صفحه‌شماری کتاب (متن، صفحات عنوان و حقوق و اتحاف و مقدمه-های منثور و منظوم و تقریبات و نقشه هفت‌اقلیم- بین صفحات ۷۷۰ و ۷۷۱- و جزآن) چنین است: جلد اول: ۱۰۸۹ صفحه؛ جلد دوم: ۱۱۷۰ صفحه؛ جلد سوم: ۸۵۷ صفحه؛ مجموع صفحات سه جلد: ۳۱۱۶

۱۰) سند هویت این کتاب به لطف آقای دکتر علی‌اشرف صادقی به دست آمد.

۲۲. یک عبارت درباره فرهنگ آندراج

□ فی اللّغة الفارسیة لمحمّد باد صاحب الهندی. طبع فی اربع مجلّدات [اصل: مجلّات] علی الحجر بلکهنو ۱۳۰۷ ثمّ بطهران فی ستّة مجلّدات. (الطّهرانی، همان)
○ این همه اطلاعی است که در ذریعه آمده و در آن چندین خطای فاحش است. این کتاب لغت فارسی نیست، لغت عربی و فارسی است؛ از محمّد باد نیست، از محمّد پادشاه است؛ چاپ هند آن چهار جلد نیست، سه جلد است؛ سال چاپ آن ۱۳۰۷ نیست، ۱۳۱۳ است؛ چاپ تهران آن شش جلد نیست، هفت جلد است. (برای نظایر این عبارت ← مشار [۱]، ج ۲، ستون ۲۹۳۲؛ مشار [۲]، ستون ۴۵۹۷).

منابع

الف) فارسی، عربی، اردو

- بنی آدم، حسین، کتاب‌شناسی موضوعی ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۲.
ترقی، بیژن، مقدمه فرهنگ مترادفات و اصطلاحات ← محمّد پادشاه (۴).
تقی‌زاده طوسی، فریدون، «فرهنگ مترادفات و اصطلاحات»، راهنمای کتاب، سال ۱۱، ش ۱۲، ص ۶۱۸-۶۲۲، اسفند ۱۳۴۷.
خانلری (کیا)، زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی دری، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۸.
خراسانی، سید احمد، «یک بحث بر علیه علیه وله»، دانش، سال ۱، ش ۴، ص ۱۸۵-۱۹۲، تیر ۱۳۲۸.
داعی الاسلام، سید محمّدعلی: ۱. فرهنگ نظام، ج ۱، دانش، چ ۲، ۱۳۶۲؛ ۲. همان، ج ۵، دانش، چ ۲، ۱۳۶۴؛ ۳. «فرهنگ آندراج»، مقدمه لغت نامه دهخدا، سازمان لغت نامه، تهران ۱۳۳۷.
دایرة المعارف فارسی، ج ۱، به سرپرستی غلام‌حسین مصاحب، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵.
دبیر سیاقی، سید محمّد: ۱. فرهنگ‌های فارسی و فرهنگ گونه‌ها، انتشارات اسپرک، تهران ۱۳۶۸؛ ۲. مقدمه فرهنگ آندراج، ← محمّد پادشاه (۳)؛ ۳. «آندراج، فرهنگ»، دانش نامه ایران و اسلام، ص ۲۵۳-۲۵۴، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۴.

رضازاده شفق، صادق، تاریخ ادبیات ایران، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۵، (چ افسست).
ستوده، دکتر غلام‌رضا، مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، سازمان مطالعه و
تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۲، تهران ۱۳۷۲.
شفیعی کدکنی، محمدرضا، صورخیال در شعر فارسی، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران ۱۳۵۸.
الطهرانی، الشیخ آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۶، دار الاضواء، الطبعة الثانیة،
بیروت.

فیروز الدین، الحاج مولوی، فیروز اللغات، فیروز سنن، لاهور-راولپندی-کراچی.
مجتبایی، فتح‌الله، «آندراج»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶، تهران
۱۳۶۹.

محمد پادشاه «شاد»: ۱. مجموعه مترادفات، مطبع داکتر ای. جی. لازرس، بنارس، هند،
۱۸۷۸؛ ۲. فرهنگ آندراج، ۳ جلد، مطبع نول کشور، لکهنؤ، هند، ۱۳۱۳ ق / ۱۸۹۶ م چاپ
سنگی؛ ۳. آندراج- فرهنگ جامع فارسی، ۷ جلد، زیر نظر محمد دبیرسیاقتی، کتاب‌فروشی
خیام، چ ۲، تهران ۱۳۶۳؛ ۴. فرهنگ مترادفات و اصطلاحات، زیر نظر بیژن ترقی،
کتاب‌فروشی خیام، تهران ۱۳۴۶.

محمود، سید فیاض - عابدی، سید وزیرالحسن، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ۵
(فارسی ادب ۳)، پنجاب یونیورسٹی، لاهور ۱۹۷۲.

مشار، خان‌بابا: ۱. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۲، زیر نظر احسان یارشاطر، بنگاه
ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵۲؛ ۲. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ج ۴، تهران ۱۳۵۳.
معین، محمد، فرهنگ فارسی، اعلام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چ ۷، تهران ۱۳۶۴.
منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱۴، اضافات و تجدید نظر
و اهتمام عارف نوشاهی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۷۵ ش / ۱۴۱۷
ه ق / ۱۹۹۷ م.

نقوی، شهریار، فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، اداره کل نگارش-وزارت فرهنگ،
تهران ۱۳۴۱.

نوشاهی، سید عارف، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتاب‌خانه گنج‌بخش،
ج ۱، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۶۵ ش / ۱۴۰۶ ق / ۱۸۹۶ م.
هدایت، رضا قلی‌خان، فرهنگ انجمن آرای ناصری، کتاب‌فروشی اسلامیة، تهران.

انگلیسی

- Bibliographica Guide to Iran*, edite by L. P. Elwell-Sutton, Barnes & Noble Books, New Jersey 1983.
- Encyclopaedia Iranica*, Vol. II, fascicule 1, edited by Ehsan Yarshater, London-Boston-Henley.
- Johnson, Francis, *A Dictionary Persian-Arabic and English*, published under the patronage of The Honourable East-India Company.
- Hadi, Nabi, *Dictionary of Indo-Persian Literature*, Indira Gandhi Natinat Centre for the Arts Abhinav Publications.
- Storey, C. A., *Persian Literature*, Vol. III, part 1, The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, Leiden, 1984.
- The Encyclopaedia of Islam*, prepared by a number of Leading orientalist, E. J. Brill, Leiden, 1986.
- The Imperial Gazetteer of India*, Today & Tomorrow's Printers & Publishers, New Delhi, India.

